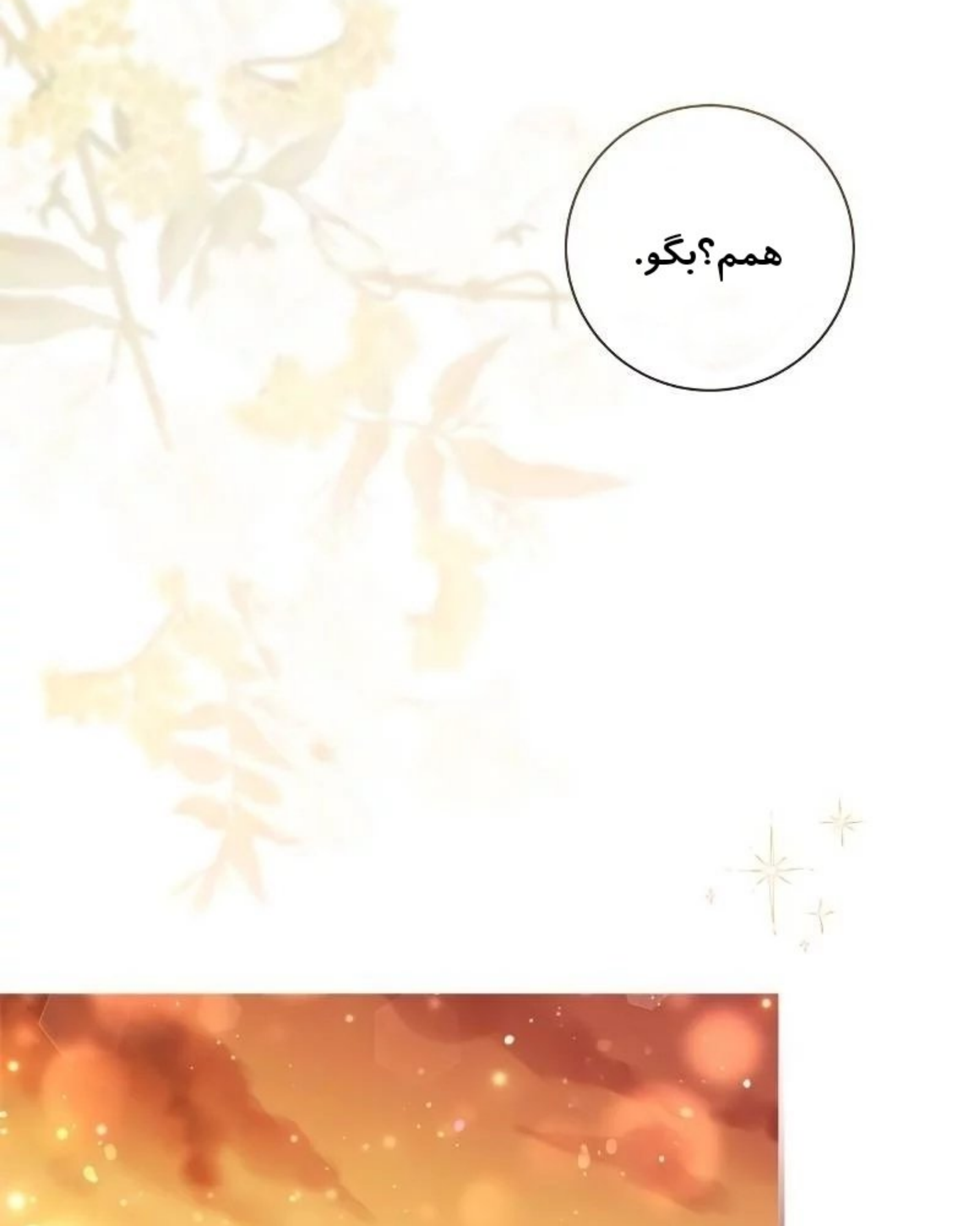
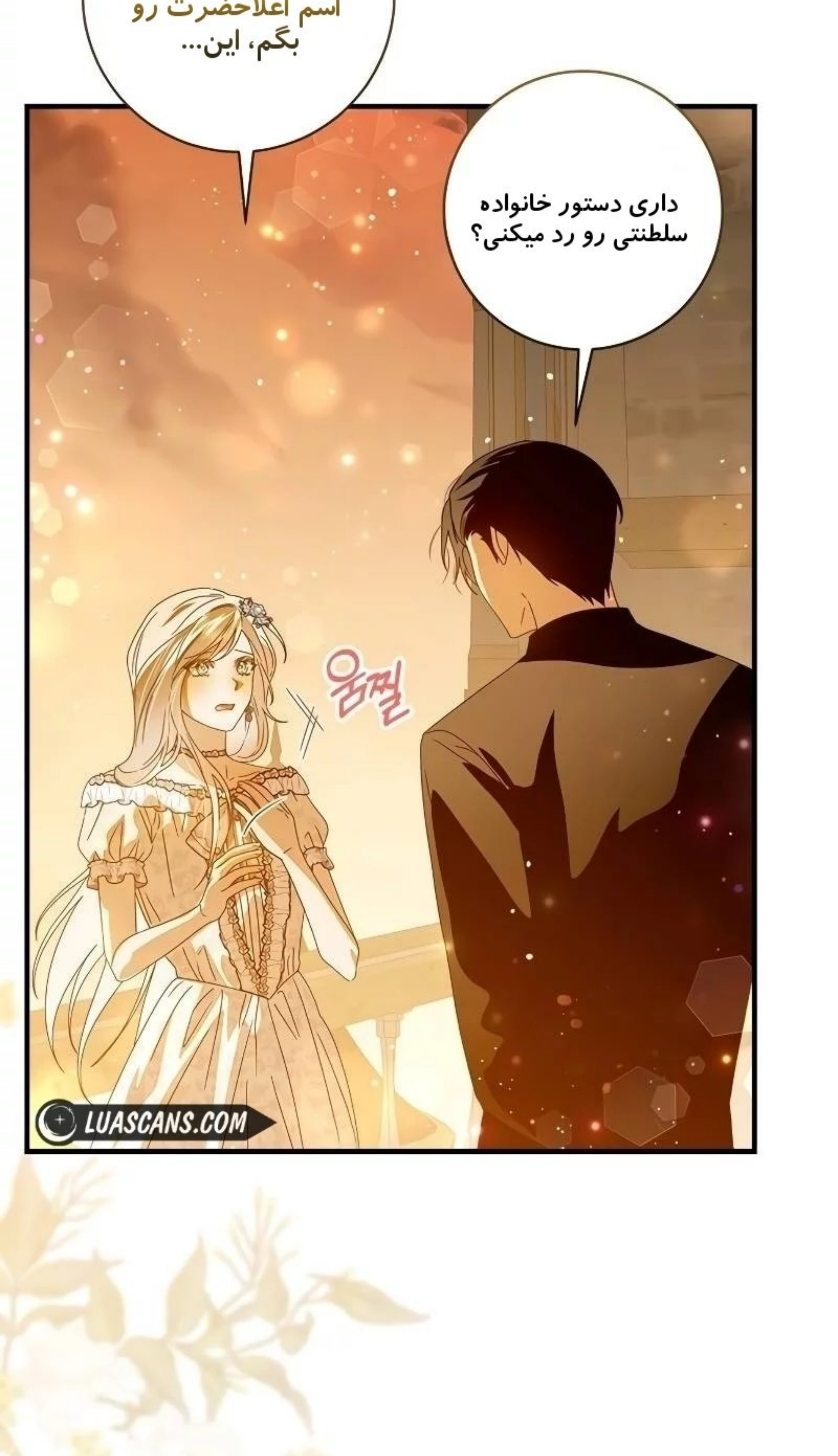
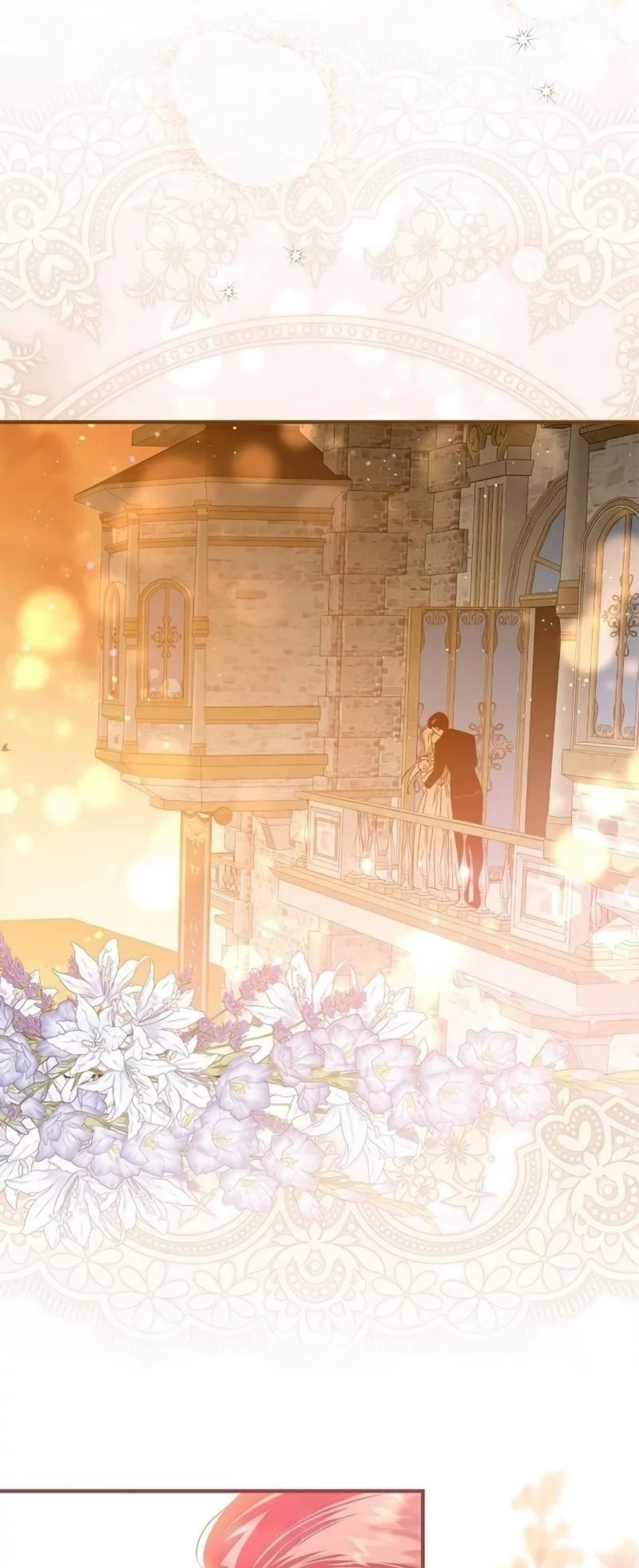




من افسار را گفتم جانور کور





هروقت که تنهاییم،
همیشه با اسمم صدام کن.



باشه...

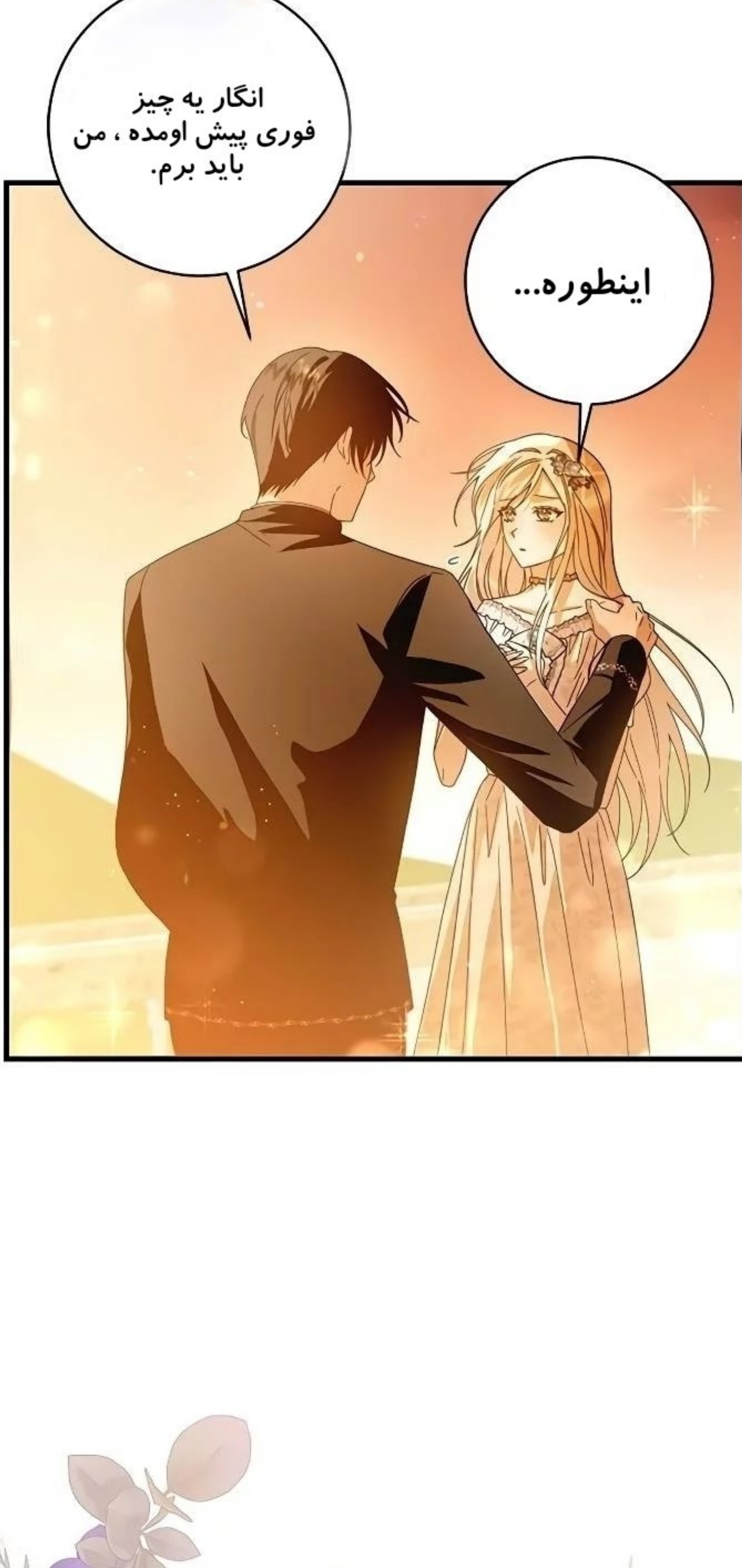


اه... بیخشید،
اعلاحضرت.

چیشه؟

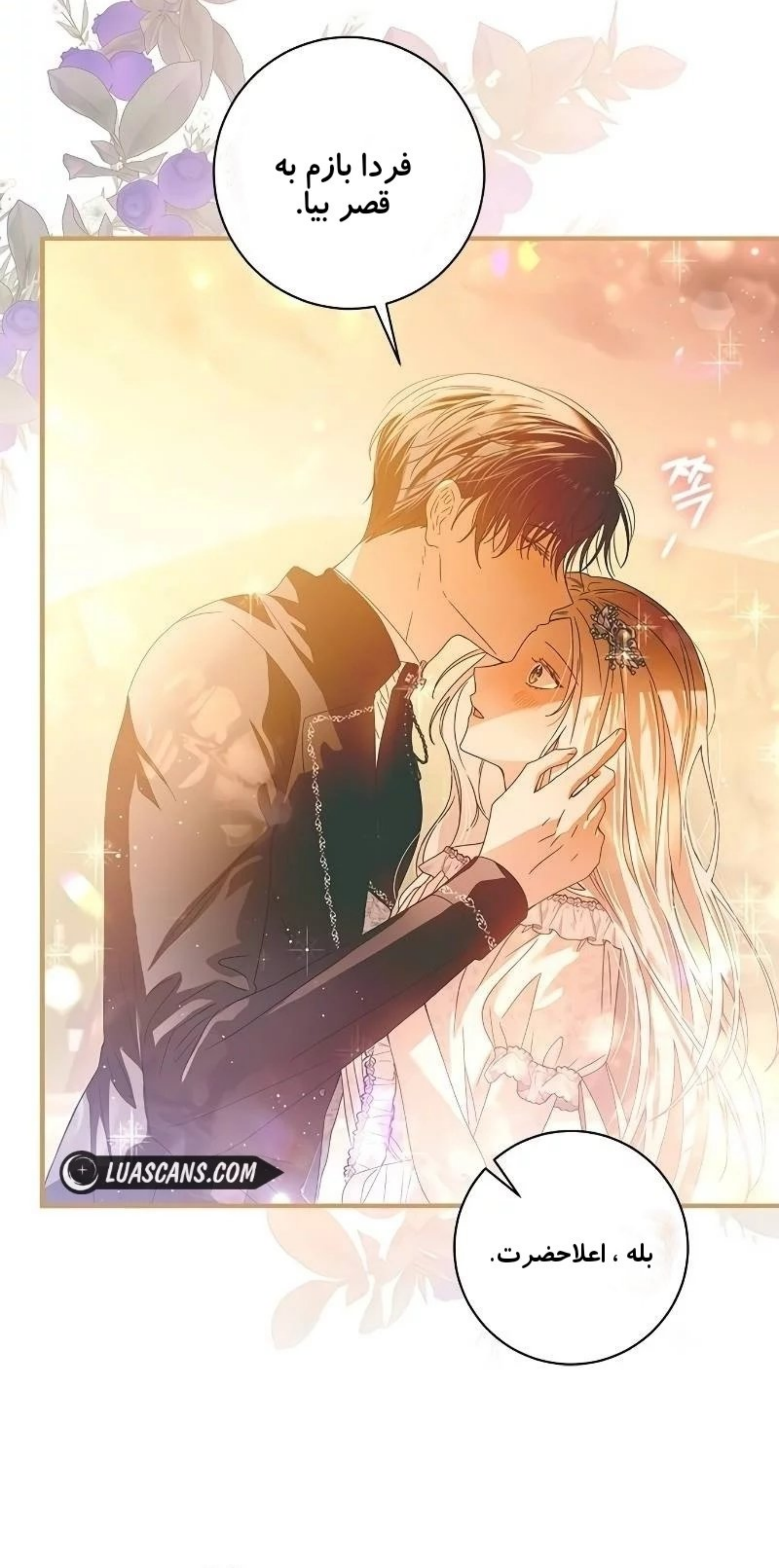


متوجه شدم



انگار یه چیز
فوری پیش اومده ، من
باید برم.

اینطوره...

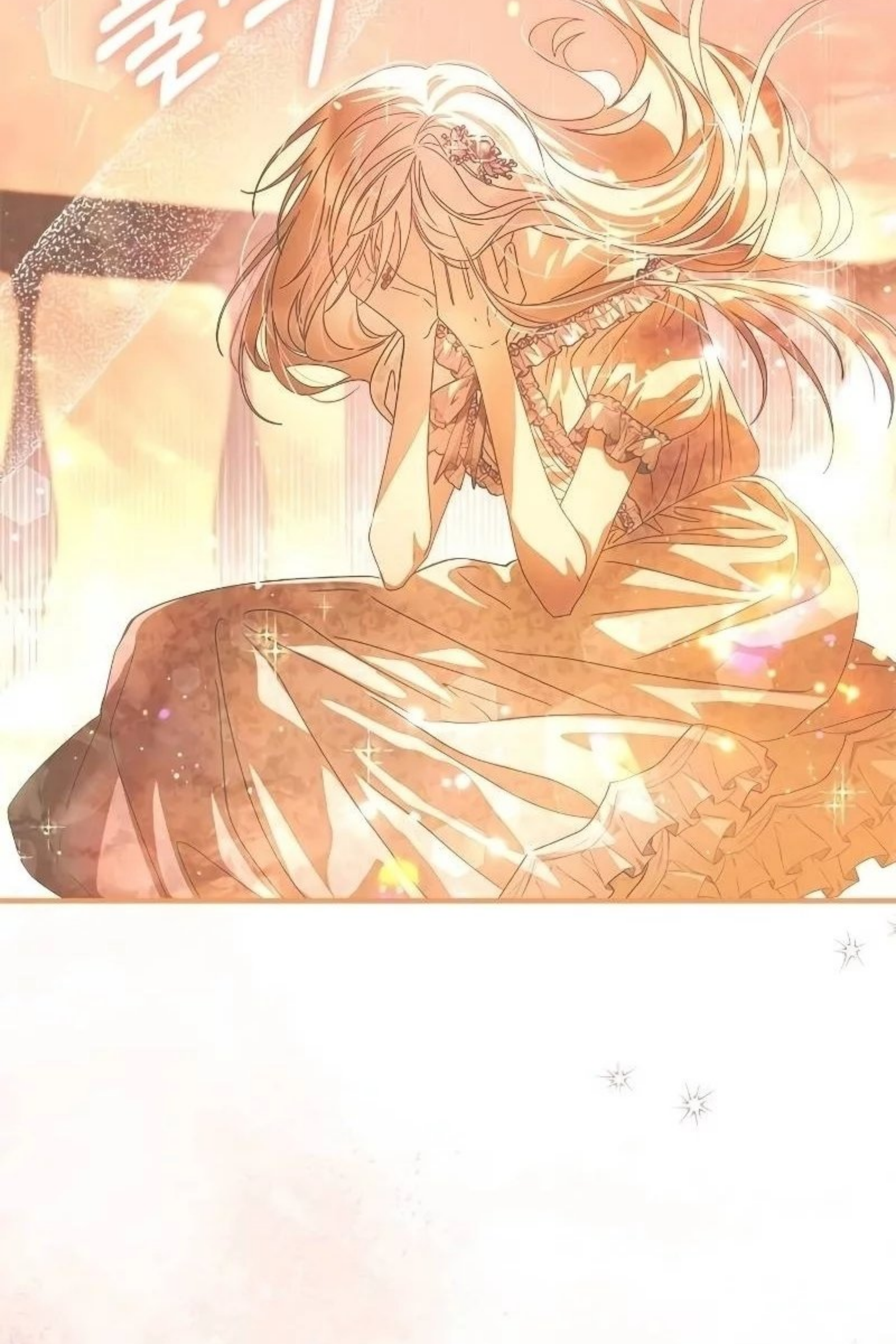


فردا بازم به
قصر بیا.

بله ، اعلاحضرت.

از این به بعد ، اگه منو
"علا حضرت" صدا کنی، مجبور
میشم مجازاتت کنم

하
하



پیکار کنم؟ اون اولین
بوسه ام بود

این همون چیزیه که پیش
میگن عشق مقدر شده؟



سابل...

눈먼 짐승의 목줄을 쥐었다

그림 · PPANG · 각색 · 위례양게츠비 · 원작 · 카에

به فنا رفتیم.

کنتی زمانی که بانو کارینا دختر خوندش شد خیلی خوشحال بود.

و الان میگه که این به شانس عالی برای خانوادس!

حتی ممکنه که به ازدواج با خانواده سلطنتی ترتیب بدیم!

خانواده سلطنتی...

ازدواج...؟

به دعای واقعی کلمه به فنا رفتیم!!!

کارینا عاشق ولیعهد شده.

چطوری این اتفاق افتاد؟ اصل این کار مجازه؟

رهبر زن از داستان اصلی متنرف شده. هن الان چه غلطی بکنم؟

نه تنها ممکنه که پایان اصلی اتفاق نیفته ، حتی ممکنه که الیون بینایش رو دوباره به دست نیاره.

پشماش میتونه بدون عشق درمان بشه؟

چطوری بعد از این با الیون رو در رو بشم...؟

الان اومدی؟



میگن که نتای شیطانم
ظاهر میشه اگه به اسمش
اشاره کنی.



من-من برگشتم



اوه خدای...هنوز
بیداری؟

گفتی که زود
برمیگردی.



موقع برگشتن
گم شدم.

چرا به کالسکه نبردی
با خودت؟



اوه ، ما باید تو مصرف پول
صرفه جویی کنیم.بزار کمکت
کنم که به اتاقت بری.

باشه.



چیز دیگه ای نیاز
داری؟

.....



میخوام که امروز بازم
برام داستان بخونی.

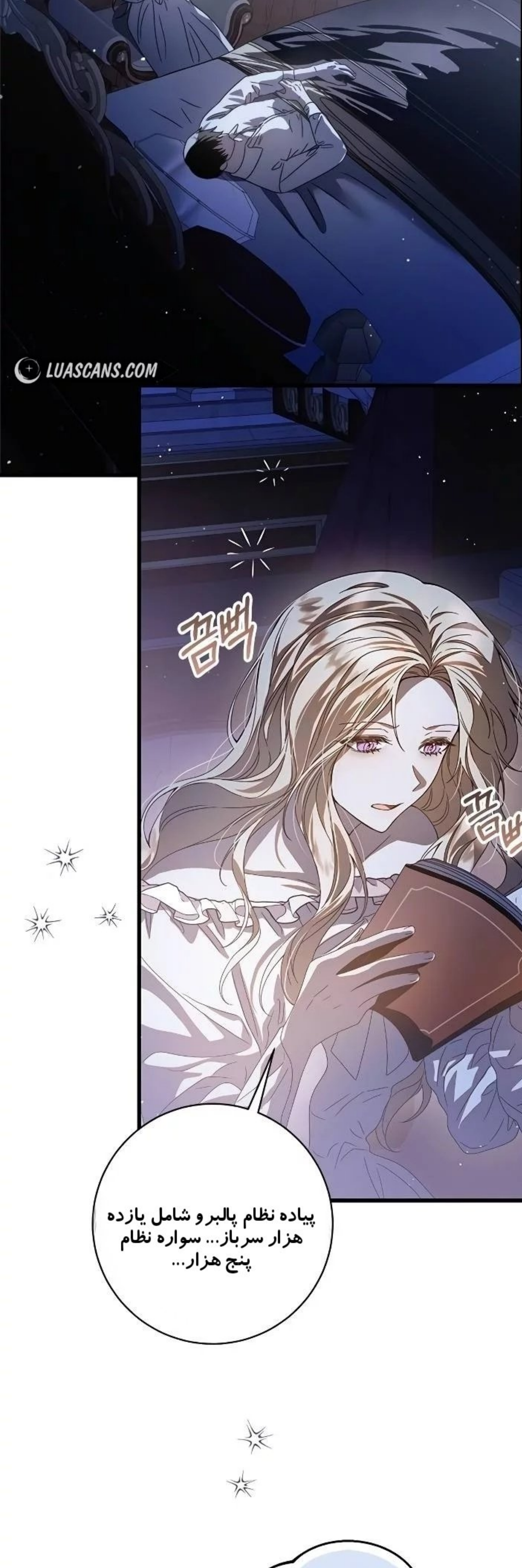
هنوزم مشکل خواب داری؟
میخواهی همون داستان قبلی
رو بخونم؟

بله لطفا.

مردم زیادی تو بیابون بایری که
کسی در اون زندگی نمی کرد
جمع شده بودن.

تعداد سربازای هردو
ارتش باهم برابر بود.

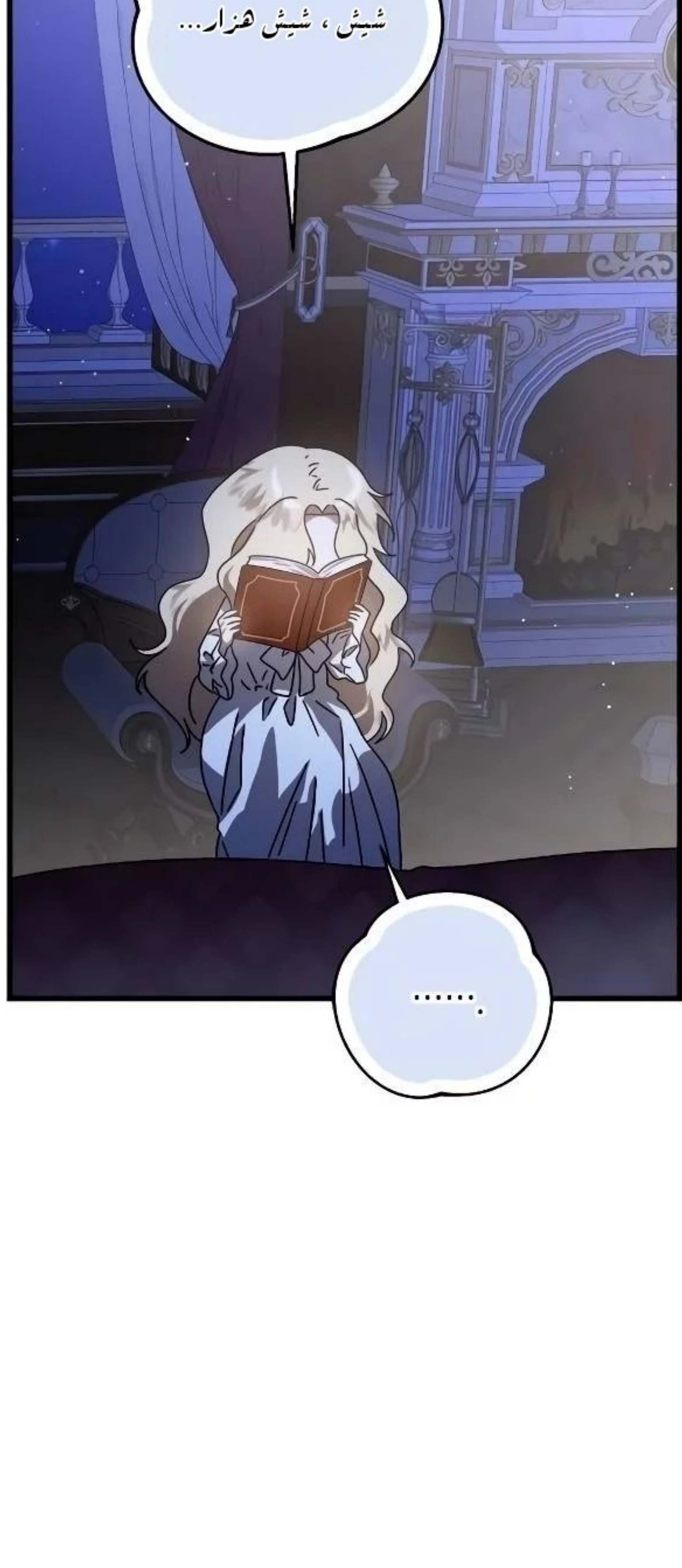
لیاس راحت
پوشیده.



پیاده نظام پالبرو شامل یازده
هزار سرباز... سواره نظام
پنج هزار...

توب خونه... آرایش... توب
جنگی...

شیش ، شیش هزار...



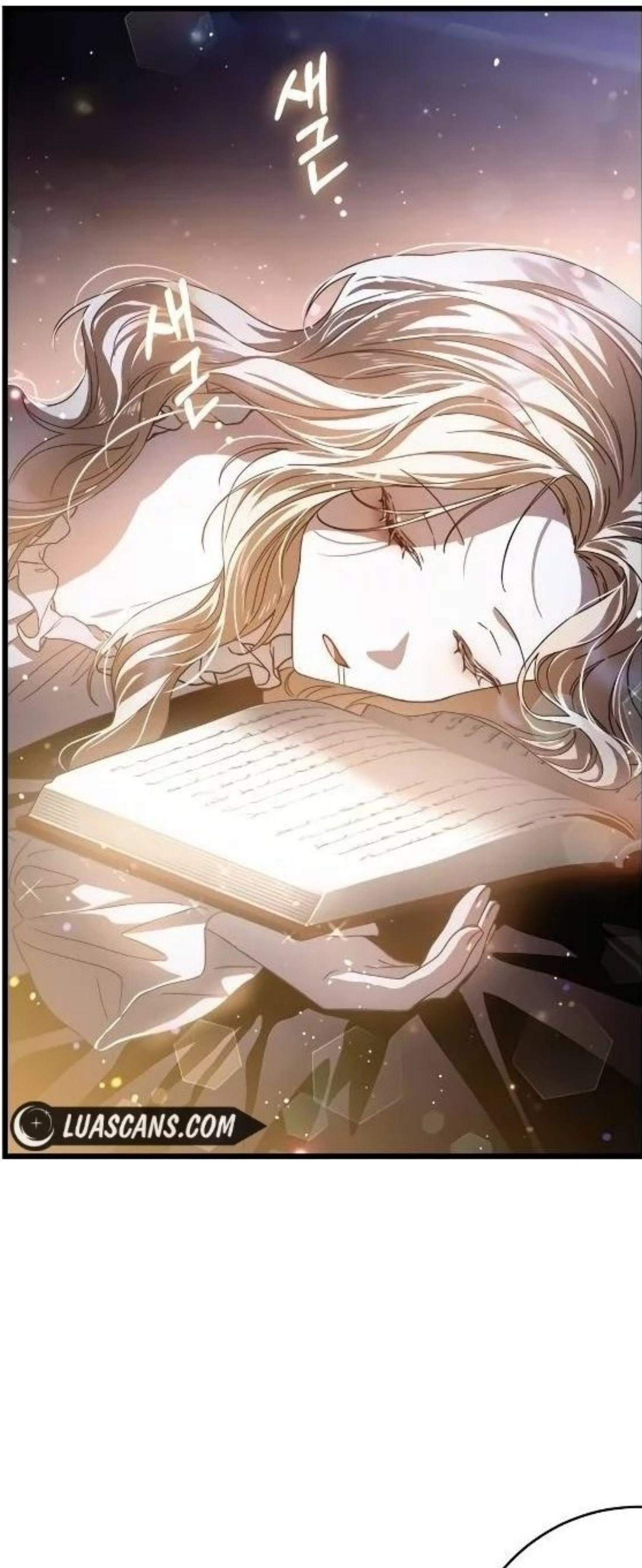
.....



لونا...؟

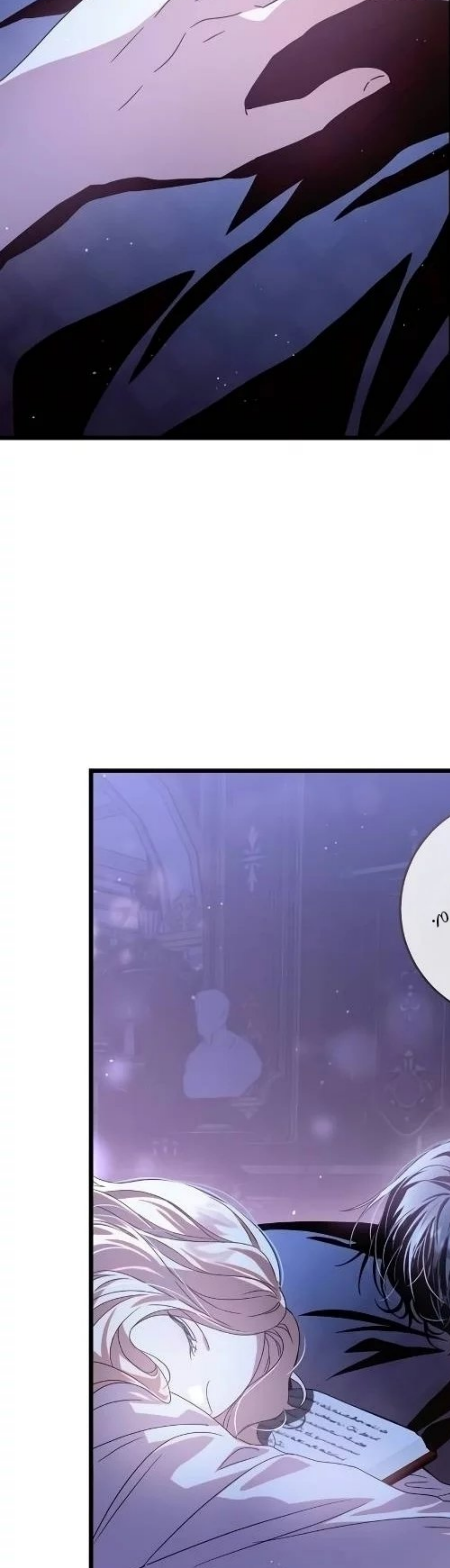
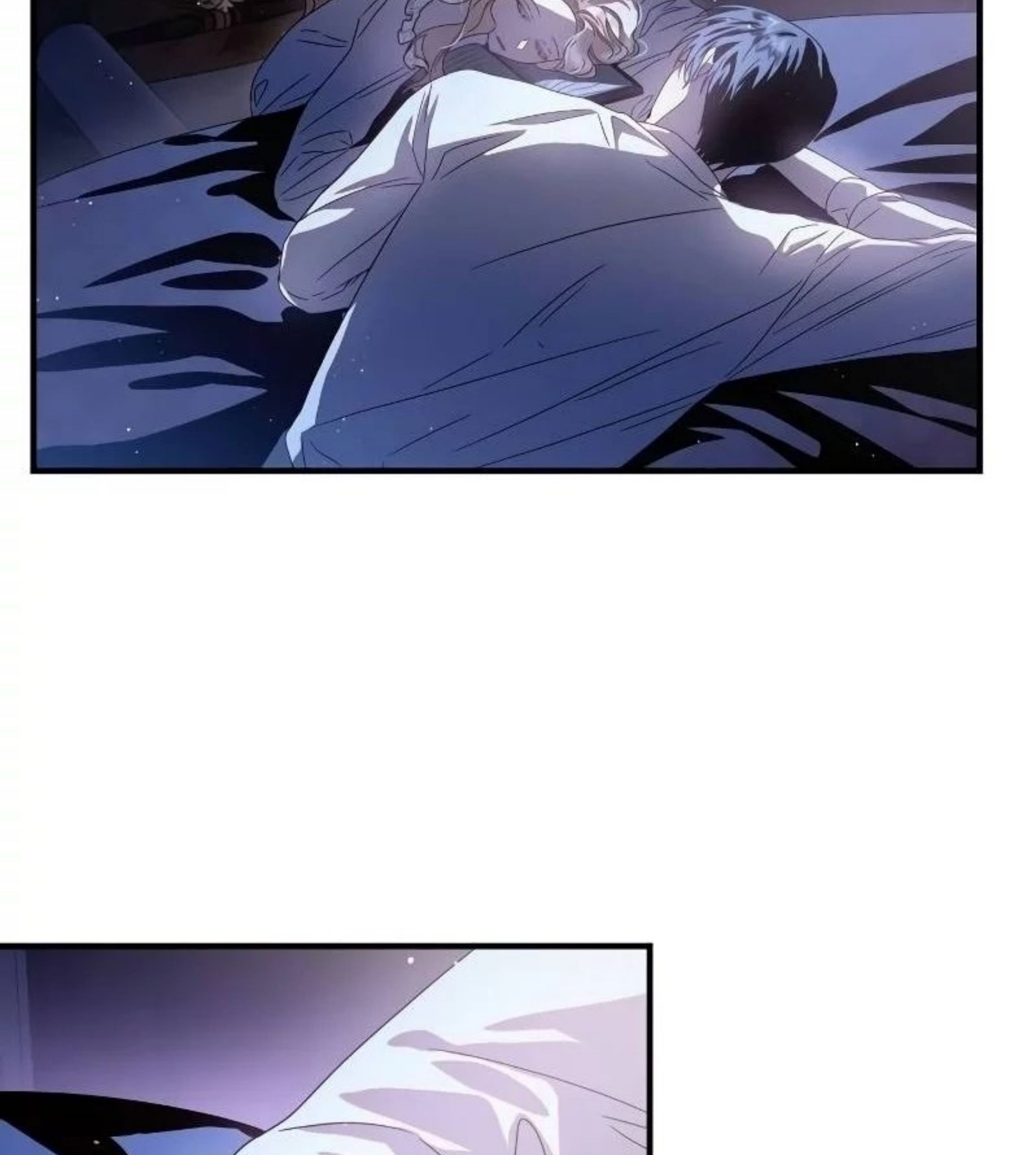
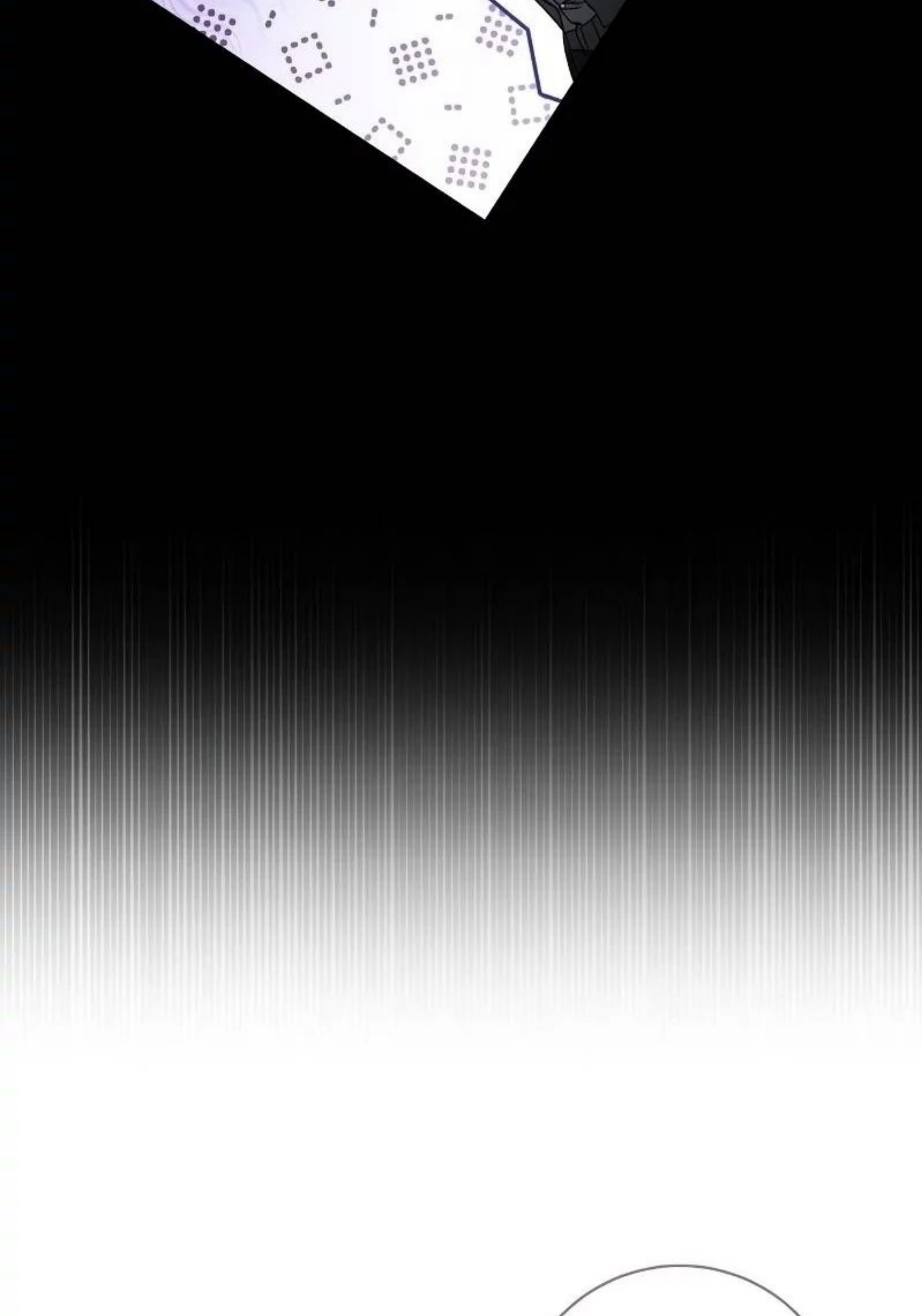
شبیه امشب نورانیست ولی نمیدونم چرا نه
اهلیش زده لونا

سه



صدای نفس کشیدنش
نوشاینده... (Refreshing...)







بیا تو.



اعلاحضرت... دوباره
داری چیکار میکنی؟

چرا تو این ساعت
اینجایی برنارد؟

شما برای
اواخر شب که چراغا روشننه
چایی خواستید.



خوش شانسیه که بقیه
پیشخدمتا الان اینجا نیستن.
این واقعا دردسر سازه.



اگه شایعه بشه که به خدمتکار
کل شب رو تو اتاق اربابش
میمونه ، دردسر میشه.

شما این رو خوب
میدونید ، اعلاحضرت.



چرا اون رو معشوقه
خودتون نمیکنید؟

تخلیه خرمکار داخل نیم هفت

الان چی
گفتی؟

اون یه خدمتکار
بی اصل و نسیه.

رابطه با یه خدمتکار معمولی
مثل رابطه بقیه اشراف با
برده‌هاشونه.

پسه

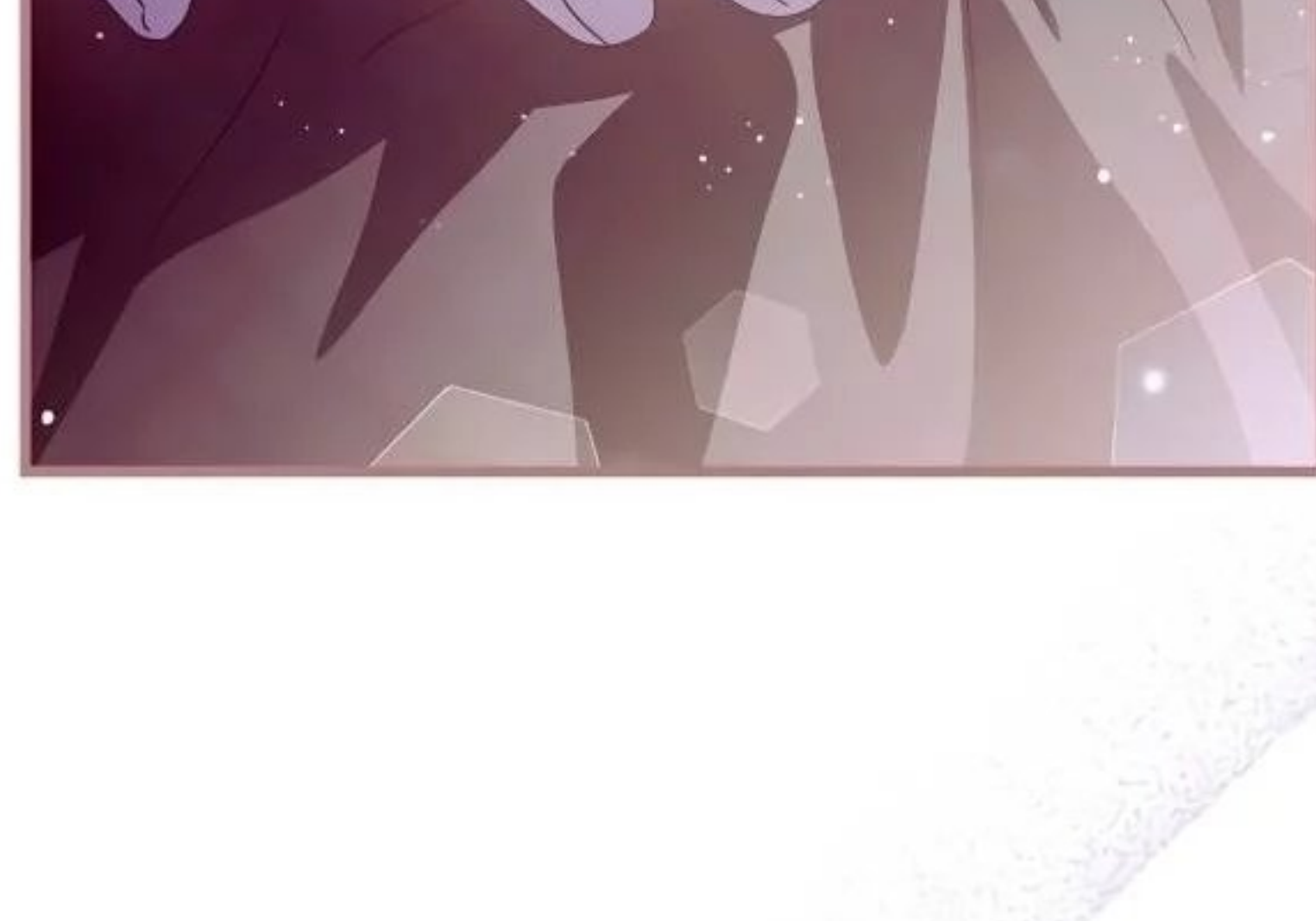
هرگز دوباره همچین
چیزی رو نگو.

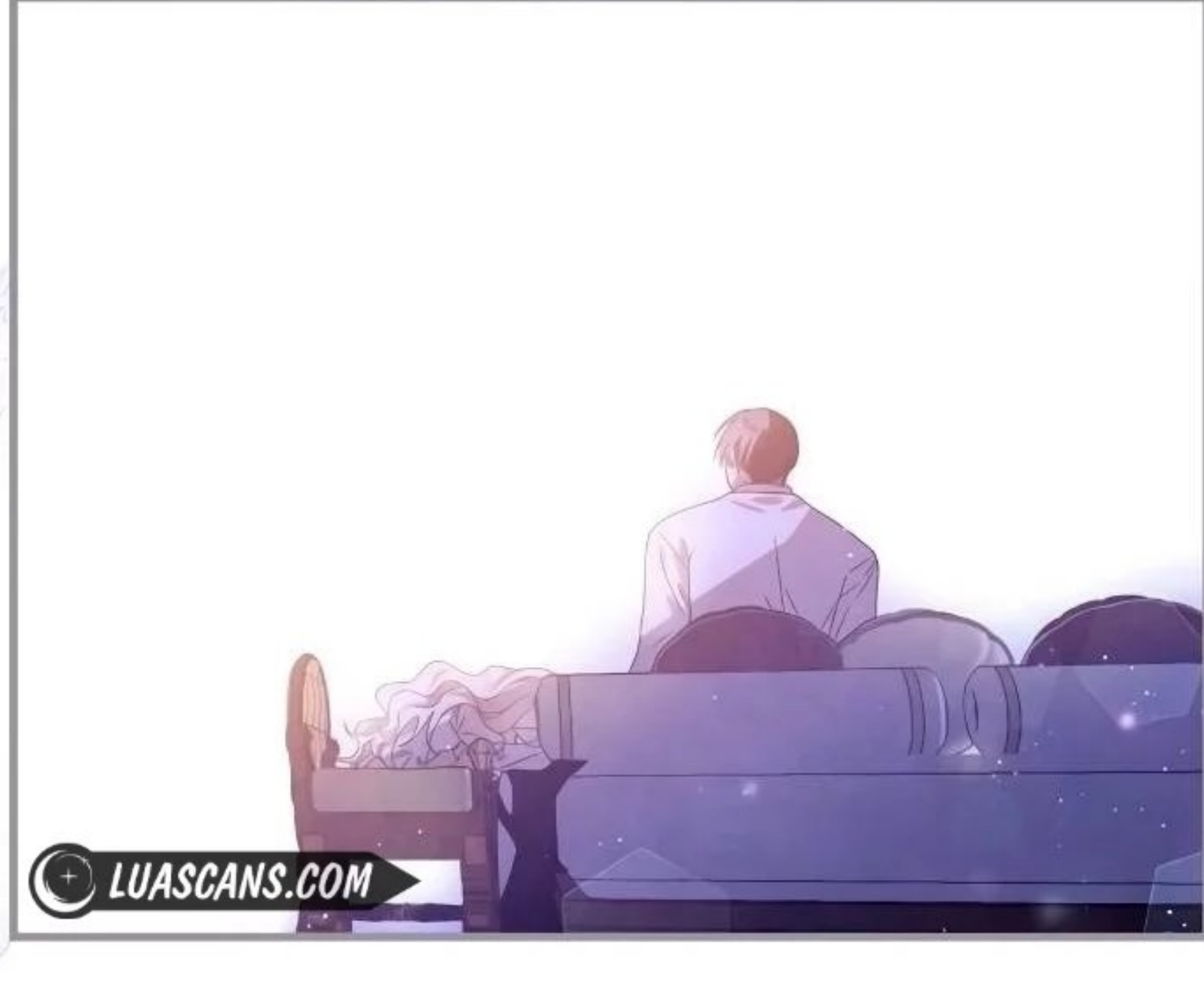
مهم نیست که کی
هستی، نمیخشم.

متوجه شدم.
بی ادبی بود.

دارم میرم.

تبدیل لورنا به
معشوقم.





اگه این همه چیز
رو حل میکرد ،

آسون تر میشد.

JOIN OUR DISCORD

WE'RE RECRUITING!

KOREAN TRANSLATORS AND PROOFREADERS!
JOIN OUR DISCORD FOR MORE DETAILS.

discord.gg/NtuC9ZBYbD



LUASCANS.COM

این مانهوا توسط تیم ترجمه مانهوا اکسیر

ترجمه ادیت شده و هرگونه آپلود در سایت.

سروش رویکا و پیام رسان های

دیگه ممنوعه

و پیگرد قانونی داره اگه دیدید جای

دیگه دید جای دیگ این مانهوا رو گذاشته

از چنلش لف بدید و بهمون اطلاع بدید مانهواهای

مارو میتونید

از شعبه های

تلگرام، سروش، رویک دنبال کنید

@ManhwaExsir